
کنفرانس عالی قضایی

روز شنبه بیست و هفتم خردادماه ۱۳۵۱، کنفرانس عالی قضایی جهت بررسی و تبادل نظر پیرامون مشکلات قضایی کشور با حضور آقای هویدا نخست وزیر و آقای صادق احمدی وزیر دادگستری و با شرکت آقایان رییس دیوان عالی کشور، رییس دادگاه عالی انتظامی قضات، دادستان کل، رییس کانون وکلای دادگستری، رؤسای دادگستریهای استانها و نیز جمعی از وکلای دادگستری و سایر مقامات قضایی کشور در تالار اجتماعات کاخ وزارت دادگستری تشکیل گردید. در جلسه افتتاحیه، آقای صادق احمدی وزیر دادگستری بیاناتی بدین شرح ایراد نمود:

جناب آقای نخست وزیر - جناب آقای رئیس - حضار محترم

بدواً لازم میدانم از ابراز عنایتی که فرموده و با حضور خود در این مجلس ما را مفتخر فرموده اید سپاسگزاری کنم.

جناب آقای نخست وزیر، جنابعالی بمناسبت کار مهم و پرمسئولیتی که بعهده دارید، بمناسبت خلق نیکو و طبع کریم و بیان گرم و دلنشینی که دارید، لااقل هر هفته کنفرانسی را میگذشاید یا سمیناری را افتتاح میکنید. و در مجالس متعددی حاضر میشوید و مطالبی بیان میدارید که این مطالب هم امید بخش است هم روشنگر وضع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور عزیز ما است، که خوشبختانه تحت توجهات و رهبریهای خردمندانۀ شهریار مفخم ما و با تلاش و کوشش شبانه روزی جنابعالی روز بروز قدمهای سریعتری بطرف ترقی و تعالی

برمیدارد و میرود که بخواست خداوند توانا بزودی دروازه‌های تمدن بزرگ را بروی خود بگشاید.

جنابعالی در مجالسی که شرکت میکنید مطالب رسمی با جمله‌پردازیهای ادیبانه و با عبارات مسجع و مقفا زیاد میشنوید؛ اجازه بدهید من امروز این رویه را که واقعا جنابعالی بخصوص و شاید هم ما از آن خسته شده‌ایم کنار بگذارم بدون پیرایه و باکمال سادگی از طرف خود و همکاران قضائی واداریم بجنابعالی عرض کنم به‌خانه ما خوش آمدید مقدمتان را گرامی میداریم و برای جنابعالی سلامتی و موفقیت بیشتر آرزو میکنیم.

جناب آقای نخست‌وزیر من از جنابعالی تقاضا نکرده‌ام باینجا تشریف‌بیاورید تا با يك سلسله لفاظی و خودنمایی به استحضارتان برسانم: خاطر مبارك آسوده باشد مشکلات دادگستری را حل کرده‌ام برای من مدال بفرستید و نشان تقاضا کنید یا بعکس کوهی از مشکلات را در مقابلتان مجسم کنم و حل آنها را موکول بگرفتن اختیار بیشتر و یا پول زیادتر کنم.

البته شاید ظرف همین مدت کوتاه خیلی کارهای بنیانی در دادگستری انجام شده باشد که اثرات بعضی از آنها سالها بعد معلوم میشود ولی این کارها در مقابل آنچه باید بشود گاهی است از کوه، دادگستری باید طوری مجهز و مهذب بشود و بقسمی عمل کند که هیچ متنفذ و صاحب قدرت و یا ذیحقی و یا مجرمی نتواند و لازم نداند برای بکرسی نشاندن حرفش برای فرار از مجازات یا برای احقاق حقش - فرقی نمیکند - اعمال نفوذ کند. ما با عمل خود باید این روحیه رادرمردم ایجاد کنیم که دادگستری را با این خصوصیات بشناسند والا با حرف و کنفرانس و سمینار و تظاهر در مردم ایمان بوجود نخواهد آمد. ما پس از يك سلسله بررسیهای مقدماتی - که از چند ماه قبل شروع شده است - اینک دور یکدیگر جمع شده‌ایم تا مسائل مختلف دادگستری را باهم درمیان بگذاریم، بحث و تبادل نظر و تعاطی افکار کنیم و بگوئیم چه باید بکنیم و چه نباید بکنیم تا دادگستری وظیفه اصلی خود را - که تأمین عدالت قضائی یعنی حفظ و حراست ضوابط حاکم بر روابط افراد و صیانت از حیثیت انسانی است - بتواند درست و منطبق با خواست جامعه متمدنی و متحول امروز، انجام دهد و نزد ملت ایران و شاهنشاه بزرگ خود مباحی و سربلند باشد.

از جنابعالی استدعا کردم تشریف‌فرما شوید و با حضور خود بجمع ما که بدین منظور گردهم آمده‌ایم رونق بیشتری ببخشید و با مطالب پرمغز و امیدوار-کننده خود ما را در حل مشکلات یاری و مدد فرمائید و نیروی کار بیشتری بمان ببخشید. امیدوارم مطالبی را که بیان میکنم واجد هیچیک از دو جنبه‌ای که در ابتدای عرایض عرض کردم نباشد.

من همیشه معتقد بوده و هستم که ما اینقدر فرصت نداریم که اجازه دهیم مدیران ماطبق نظر و ملیقه خودشان - که بهر حال خالی از عیب و اشتباه و گاهی

غرض شخصی نخواهد بود - مملکت را آزمایشگاه نظرات سطحی و ناسنجیده خود قرار دهند و با تکرار اشتباهات وقت خود و کشور را تلف کنند، بهمین علت است که معتقدم در امور بایستی مشورت کرد و از نظرات صائب صاحب نظران پرتجربه و عالم استفاده کرد تا اشتباهات تکرار نشود، و نتایج اقداماتی که بعمل میآید و تصمیماتی که اتخاذ می شود مطلوبتر و مفیدتر باشد. تشکیل این کنفرانس در واقع در اجرای همین نظر بوده است.

در اوایل اسفندماه ۱۳۵۰ بهمکارانم در استانها نوشتم..... راجع به تشکیلات حوزه قضائی خود و تناسب هر قسمت با حجم کار موجود و آتی و مشکلات ناشی از روشها و تشریفات اداری و ارزیابی بیشتر عوامل موجود، بمنظور حداکثر بهره گیری از آنها مطالعات لازم بعمل آورند تا با آمادگی بیشتری در این کنفرانس شرکت کنند.

تردید نیست که ما در دادگستری مسائل قابل بررسی و با بیان دیگر مشکلات زیادی داریم. مسائل مربوط به عدم تناسب بعضی قوانین و مقررات با موازین علمی امروز و خواست جامعه امروز ما؛ مسائل مربوط به عدم تناسب حجم کار با تشکیلات و عوامل انسانی موجود در دادگستری؛ مسائل مربوط به آشنا نبودن اکثر مردم به حقوق و تکالیف خود.

مسائل مربوط به وابستگی دادگستری.

مسائل مربوط به روشهای نامتناسب غلط و پرتشریفات.

مسائل مربوط به نواقص مدیریت صحیح.

مسائل مربوط به رفتار و برخورد با مراجعین دادگستری.

مسائل مربوط به استفاده از تکنولوژی نوین در انجام وظایف متعدد و متنوعی

که به عهده داریم.

مسائل مربوط به علل ازدیاد بعضی از جرایم و پیشگیری از وقوع جرم و رفتار با مجرمین زندانی یا محکومینی - که مدت زندانیشان سپری می شود و به اجتماع برمی گردند.

این مسائل را همه باید دقیقاً بررسی کرد. بعضی از آنها بایک برنامه کوتاه مدت قابل حل است. بعضی احتیاج به یک برنامه بلند مدت دارد و برخی شاید هیچوقت بطور کامل قابل حل نباشد کما اینکه در خیلی از کشورهای راقیه دنیا، دادگستری با این مشکلات دست بگریبان است و همیشه وجود داشته و خواهد داشت.

اما بهر حال ما نمیتوانیم مرتباً دم از مشکلات بزنیم؛ وقتی مشکل تشخیص شد باید تا آنجا که ممکن است در مقام رفع آن برآمد. مردم را که نمیشود تاروز قیامت به انتظار معجزه نگهداشت. بدون دادگستری خوب که برنامه های عظیم اقتصادی و صنعتی و اجتماعی به ثمر نمیرسد؛ بدون عدالت قضائی که جامعه متمدن و مترقی نخواهیم داشت. آنروز که افتخار عضویت در دولت و خدمتگزاری

بیشتری به شاهنشاه و کشور عزیزمان نصیب شد، بخوبی واقف بودم که ما خیلی کار در دادگستری داریم که باید انجام بدهیم. واقف بودم که نه قاضی از وضع کار و زندگی خود راضی است، نه کارمند نه وکیل نه کارشناس نه ضابطین دادگستری و نه مردم که این دستگاه برای آنها بوجود آمده. البته همه را نمیشود راضی کرد آنها از دادگستری که طبع کارش ناراضی تراشی است. فکر میکردم اگر من و همکارانم موفق شویم:

۱- کاری کنیم که چرخ این دستگاه بنحوی بچرخد که برای يك دعوی حقوقی یا جزائی، مردم مدت‌ها بلا تکلیف و سرگردان نباشند و دريك فاصله متناسب تکلیفشان نفیاً یا اثباتاً تعیین شود.

۲- قوانین مان را متناسب با زمان و خواست جامعه امروز و متکی بر موازین علمی اصلاح کنیم.

۳- روشهای ناصحیح و پر تشریفات زائد را دور بریزیم و از کاغذپرانی و تمرکز امور در تهران جلوگیری کنیم و به مسؤولین سازمانها اختیار بدهیم و از آنها مسؤلیت بخواهیم.

۴- برای اخذ نتیجه بهتر و سریعتر و دقیقتر و علمی‌تر در انجام بعضی از وظایف خود با استفاده از تکنولوژی نوین از ماشین استفاده کنیم.

۵- مردم را تا آنجا که ممکن است به حقوق و تکالیف خود و کار دادگستری آشنا کنیم.

۶- مسأله پیشگیری از جرم را بعنوان يك مسأله خیلی جدی و علمی با همکاری سازمانهای ذیربط دقیقاً مورد بررسی و اقدام قرار دهیم.

۷- افراد خاطمی و گناهکار را بموقع و برحسب مورد، تنبیه یا متنبه و اصلاح و ارشاد کنیم.

۸- با صمیمیت و تفاهم بیشتری با وکلای دادگستری و ضابطین و کارشناسان دادگستری همکاری کنیم.

۹- سطح دانش کارکنان قضایی و اداری دادگستری را بالاتر ببریم و مدیران خوب تربیت کنیم.

۱۰- تکلیف کسانی را - که بیجهت در مظان اتهام قرار میگیرند - قبل از اینکه حیثیتشان ملعبه دست مغرضین شود روشن کنیم و ضمن رد اتهام و صیانت از حیثیت و شرف افراد، مغرضین و مفتریان را شدیداً تنبیه نماییم.

۱۱- آن عده از کارکنان دادگستری را - که بلحاظ زیادی کار یا مشکلات دیگر اداری یا خانوادگی حوصله ندارند بنحو شایسته و توأم بادلوسوزی و راهنمایی با مراجعین روبرو شوند - براه راست هدایت کنیم، و اگر امکان اصلاح آنها نباشد دستشان را از کارهای حساس کوتاه نماییم.

۱۲- تبعیض نابجا را در نقل و انتقالات و انتصابات و ترفیعات و استفاده

از مزایا از بین ببریم.

۱۳ - با تشکیل يك بازرسی قوی و مطلع و دلسوز مستمراً کار کارکنان دادگستری را کنترل کنیم و افراد زحمتکش و صحیح‌العمل را بموقع تشویق و کارمندان نالایق و ناسالم را از کارهای حساس برکنار کنیم.

۱۴ - از عوامل قضایی و اداری موجود - که متأسفانه تناسبی با حجم کار ندارند - با تشویق و ترغیب و کمک مادی و معنوی بهره‌گیری بیشتری در جهت سبک کردن بار دادگستری بکنیم.

مسئلاً انقلاب اداری - که یکی از اصول اساسی و اصلاحات مملکت است و مورد توجه خاص رهبر خردمند ما است - بمعنای واقعی کلمه در دادگستری تحقق پیدا میکند و عدالتخانه مفهوم واقعی خود را بدست خواهد آورد.

برای رسیدن به این هدفها از اول يك سلسله اقدامات لازم شروع شد. قبل از هر کار برای اینکه امر انتصابات و نقل و انتقالات از صورت تصمیم‌گیری فردی و اعمال سلیقه شخصی خارج شود و بر مبنای صحیح و اصولی استوار شود از هیأت عمومی دیوان عالی کشور تقاضا کردم از بین خود سه نفر را انتخاب کنند. آنها با کمال حسن نیت صمیمانه همکاری کردند و سه نفر از رؤسای شعب دیوان عالی کشور را که خوشبختانه بمناسبت خدمات صادقانه خود وجهه زیادی در دادگستری دارند - انتخاب و معرفی کردند.

از رئیس شورای عالی اداری - که خود از مستشاران دیوان عالی کشور هستند و عمری را در دادگستری با بیطرفی و صداقت تمام خدمت کرده‌اند و بمناسبت اینکه چندین سال سمت معاونت اداری این وزارتخانه را داشته‌اند به احوال قضات و کارکنان دادگستری آشنایی و وقوف کامل دارند - نیز تقاضا کردم، عضویت این شورای عالی را قبول کنند. خوشبختانه ایشان هم بمناسبت علاقه‌ای که به دادگستری دارند صمیمانه پذیرفتند. این هیأت چهار نفری به معیت معاون اداری دادگستری - که از قضات نیکنام و کارپر و مطلع دادگستری است - شورایی را تشکیل دادند و اینک هیچ نقل و انتقالی بدون جلب نظر مشورتی این شورا انجام نمیشود.

بمناسبت سوء تفاهماتی - که راجع به کار شورا برای عده‌ای پیدا شده - ضروری میدانم توضیح مختصری در این مورد بدهم. متأسفانه بعضیها تصور میکنند این شورا يك سازمان صوری و آلت فعل است و هرچه وزیر بخواهد به آنها دیکته میکند و آنها بدون چون و چرا صحنه میگذارند. میشنوم که بعضیها میگویند شورا یعنی معاون اداری؛ هرچه او بخواهد عملی میشود. بعضیها میگویند اساساً شورا یعنی چه؟ مگر میشود وزیری اختیار را از خود سلب کند و بدست عده‌ای که مسؤولیت مستقیمی ندارند بسپارد؟

اینها مطالبی است که گفته میشود، ولی من بصراحت عرض میکنم که هیچیک از این مطالب درست نیست، و اینرا میگویم تا همه قضات در اقصی نقاط کشور نیز مطلع شوند که در حال حاضر نقل و انتقالات بطور کلی بدون جلب نظر

مشورتی شورا انجام نمیشود. البته این قانون نیست که مرا مکلف کرده باشد بدون جلب نظر این شورا هیچ تصمیمی اتخاذ نکنم؛ این خود من هستم که معتقدم به لحاظ اثرات فوق‌العاده‌ای که یک انتصاب بجا یا نابجا خواهد گذارد، باید دقت بیشتری بشود و این کاریست که امروز میشود. هر تقاضایی که برای تغییر سمت یا نقل و انتقالی میرسد، یا هر فردی را که مقتضی تشخیص میشود تغییر و تبدیلی پیدا کند، سوابق کارش به شورا فرستاده میشود. شورا با حوصله تمام سوابق را بررسی میکند. به نظرات رؤسای سابق و لاحق آن فرد و نظرات هیئتهای بازرسی مراجعه میکند و نظر خود را اعلام میدارد. البته این نظر یک نظر مشورتی است و بهیچوجه مرا ملزم بانجام آن نمیکند. من بنا به اختیار و مسؤلیتی که دارم، میتوانم اگر امکان انجام نظر شورا فراهم نباشد آنرا متوقف سازم. ولی خوشبختانه در طی این مدت، این مورد خیلی کم پیش آمده؛ خوشبختانه در هیچ موردی غرض و نظر شخصی اعمال نشده.

عده‌ای اظهار میکنند: طرح موضوع در شورا موجب کندی اتخاذ تصمیم میشود. برای روشن شدن ذهن این عده باید عرض کنم: چنین چیزی نیست. شورا هفته‌ای دو بار از ساعت ۴ تا ۸ و گاهی ۹ بعد از ظهر تشکیل است و نسبت به خیلی از تقاضاها بررسی میکند و نظر میدهد؛ ولی با چهارصد تقاضای انتقال بتهران یا تفریح مقام چه میشود کرد؟ مگر امکان دارد این عده و حتی ثلث این عده را ما در تهران یا اطراف آن کار بدهیم؟ این غیر ممکن است. مگر امکان دارد به تمام قضات به تناسب سنین خدمت یا رتبه آنها مقام بالا داد؟ اگر اینطور باشد باید لااقل سیصد نفر قاضی را به دیوانعالی کشور بفرستیم. اینها که ممکن نیست؛ پس لاعلاج این تقاضاها میماند برای فرصت مناسب، و بهر حال کسی که توقعش فوری انجام نمیشود ناراضی خواهد شد. امیدوارم خداوند به همه این قدرت معنوی را عنایت بکند که این عدم رضایتمندی در نحوه انجام وظیفه‌شان بی‌تأثیر باشد.

قدم دیگری - که در طریق رفع تبعیض برداشته شد و بحمدالله در سایه مرحمت شاهنشاه و با عنایت خاص جناب آقای نخست‌وزیر به نتیجه مطلوب رسید - موضوع ترمیم مزایای قضات بود. من وظیفه خود میدانم از جناب آقای هويدا، بالاخص سپاسگزاری کنم. پرداخت مزایا هیچ ضابطه اصولی نداشت. به بعضی مبلغی بعنوان پاداش مستمر پرداخت میشد و به اکثریت چیزی داده نمیشد. به تعدادی اضافه‌کار مقطوع میدادند و به بقیه نمیپرداختند. با اجرای آئین‌نامه اخیر، هر قاضی میداند به تناسب مقامی که دارد در صورتیکه در طریق سبک کردن بار دادگستری قدمی بردارد بدون هیچگونه تشبثی از حداکثر مزایا برخوردار خواهد بود.

شاید بعضیها - که در گذشته از مزایای متعددی استفاده میکردند - مبلغ قابل توجهی برایشان اضافه نشد، اما به اکثریت کمک شد، و مهم اینست که

تبعیض از بین رفت - و تبعیض همان چیز است که روح صمیمیت و دلسوزی و انجام وظیفه صحیح و بیطرفانه را میکشد. من هنوز نتوانسته‌ام به همکاران اداری خود - که حقاً اکثرشان زحمت فوق‌العاده میکشند و با صمیمیت و درستی انجام وظیفه میکنند - کمک قابل توجهی بکنم. قدمهای کوچکی در حد امکان برداشته شده؛ انشاءالله با اجرای مرحله دوم قانون استخدام، آنها هم وضع بهتر و مناسب‌تری پیدا خواهند کرد.

قوانین ما غالباً متناسب مقتضیات جامعه متمدنی امروز ما نیستند. شنیده میشود که بعضی‌ها ایراد میگیرند که چرا قوانین را هر روز دست میزنید؟ قوانین خوبند، نباید هر روز اصلاح شوند، این مجریان هستند که خوب نیستند. من قبول دارم که قانون هر چقدر خوب و متناسب باشد، اگر مجری خوب نباشد نتیجه از آن گرفته نمیشود؛ ولی قبول ندارم که قوانین را نباید اصلاح کرد. ما یک جامعه متحول و متمدنی هستیم و باید قوانین ما متناسب با تحولات فکری و اجتماعی و اقتصادی تغییر کند. البته این نکته را باید اضافه کنم که به خلاف بعضی‌ها معتقد نیستم الگوهای خارجی - هر قدر هم که متکی بر موازین علمی و نظرات علمای حقوق باشد - عیناً برای ما قابل تقلید باشد. ما کشوری هستیم با خصوصیات مخصوص بخودمان از لحاظ دین، مذهب، آداب، سنن، عقاید اجتماعی، موازین اخلاقی و خیلی خصوصیات دیگر. بنابراین قوانین‌مان نیز در عین حال - که نباید از موازین علمی بی‌بهره باشد - باید با خصوصیات و روحیات مردم و با آداب و سنن ما تطبیق کند تا در اجراء مواجه با مشکل - همچنانکه غالباً شده و میشویم - نشویم. بهر حال با حفظ این نظرات، هم اکنون لوایح چندی در دست مطالعه و بررسی و تصویب کمیسیونهای دادگستری مجلسین است. چند لایحه دیگر بزودی تقدیم میشود و کمیسیونهای مأمور بررسی قوانین و تهیه لوایح اصلاحی مشغول بررسی هستند. کار اصلاح قوانین کار ساده‌ای نیست. بعضیها ایراد میگیرند که چرا کند پیش میرویم؟ خوب طبع کار اقتضای بررسی بیشتر و وقت مطالعه کافی دارد. اصلاح قانون مجازات یا قانون آئین دادرسی مدنی یا کیفری کاری نیست که بشود ظرف دوسه ماه آنرا تمام کرد، بخصوص اینکه دید افراد در اصلاح قانون خیلی متفاوت است. من لایحه اصلاح قانون مجازات را که تقدیم مجلس کردم از لحاظ اهمیت آن نسخی از آنرا برای اساتید دانشگاه، وکلای دادگستری، قضات و صاحب نظران دیگر فرستادم تا اگر نظری داشته باشند اعلام کنند تا در موقع بررسی لایحه در کمیسیون مجلسین مورد امان نظر قرار گیرد. عده‌ای نظراتشان را اعلام فرموده‌اند. از آنها سپاسگزارم که زحمت مطالعه لایحه و اظهار نظر را تقبل کرده‌اند و علاقه نشان داده‌اند؛ اما همانطور که عرض کردم دیدها خیلی متفاوت است یکی اظهار نظر کرده: لایحه انقلابی نیست و فرمولهای سابق تغییر عمده‌ای نکرده؛ یکی گفته: اختیار قاضی محدود شده؛ یکی اظهار عقیده نموده: مجازات حبس را باید از بین برد؛ دیگری نظر داده: مجازات را باید تشدید کرد. اساساً بعضی‌ها توجه نکرده‌اند که این لایحه

فقط مربوط بمقررات جزای عمومی است و ما هنوز کار بررسی لایحه اصلاح جزای اختصاصی را تمام نکرده‌ایم. بهر حال از لطف همه متشکرم ولی همانطور که عرض کردم قوانین ما باید متناسب با اجتماع ما باشد. مسأله واجد اهمیت دیگر: اصلاح روشهای نادرست و یا پر پیچ و خم و توأم با تشریفات فعلی است. مسلماً اصلاح روشها تأثیر بسزایی در کارایی دستگاهها دارد. ما خیلی از روشهای بنظر خودمان غلط و دست و پاگیر را تغییر داده‌ایم. ما امروز تا آنجا که امکان داشته است با تمرکز امور در تهران مبارزه کرده‌ایم. اختیار نقل و انتقال کارمندان در سطح استان، اختیار دادن مرخصی و معذوریت بکارکنان دادگستریها در سطح استان و اختیار بازرسی و سرکشیهای مرتب در سطح استان، اختیار دادن مأموریت بقضات و کارمندان در سطح استان، هم‌اکنون به رؤسای دادگستریها داده شده و احتیاجی به کسب اجازه از مرکز و مکاتبه و نامه‌پرانی ندارد؛ ولی یکی از کارهای اساسی این کنفرانس این خواهد بود که بما بگویند این کارها تا چه حد مفید بوده و تا چه حد باید به آن توسعه داد؟ چه روشهایی را باید تغییر داد و چه روشهایی را باید جانشین روشهای کهنه امروز کرد تا مردم زودتر و بهتر نتیجه بگیرند؟ ما بهر حال نمیتوانیم با ادامه روشهای غلط وقت خود و مردم و مملکت را تلف کنیم. بدیهی است بعضی از تشریفات را ما نمیتوانیم چه در کار قضائی و چه در کار اداری یکباره دور بریزیم؛ تشریفات ضروری و مفید را - که لازمه کار درست و ثمربخش و خالی از عیب است - باید حفظ کرد و اگر اصلاحی لازم دارد آنرا اصلاح کرد، ولی تشریفات دست و پاگیر و بی‌ثمر و متلف وقت را باید با جرات و جسارت دور بریزیم. ما باید تعارفات و مجامله‌کاری و باری بهرجهت را کنار بگذاریم. اگر کسی حق دارد حقش را بدیم اگر هم ندارد قاطع و صریح و بی-پرده به او بگوییم: حق نداری.

من میدانم چون همه مراجعین دادگستری خود را ذیحق میدانند، خیلی سخت است بکسی بگوئیم حق نداری؛ و بعضی شاید بهمین علت کارها را دست بدست میکنند و از امروز بفردا میاندازند، شاید مرور زمان مشکلات را حل کند و طرفین بنحوی با یکدیگر کنار بیایند؛ ولی این درست نیست. دادگستری دکان بقالی و عطاری و فروشگاههای نیست که بر سردر خود بنویسد: حق با مشتری است. مشتریان دادگستری اصحاب دعوی هستند که یکیشان حق دارد و یکی حق ندارد. آنکس که حق دارد و میتواند حق خود را ثابت کند، باید حقش را داد و آنکسی که حق ندارد یا دلایلی برای اثبات ادعای خود ندارد، باید بطور قاطع باو پاسخ داد تا دنبال کارش برود. معروف است که میگویند: سیلی نقد بهتر از حلوائی نسیه است. خیلی از مراجعین دادگستری محکومیت بموقع خود را بهتر از حاکمیت بموقع میدانند. شاید یکی از گرفتاریهای دادگستری و مردم این باشد که مراجعین اکثراً آشنا بقوانین و مقررات و حقوق و تکالیف خود نیستند و همین عدم آشنایی موجب میشود که اکثراً خود را ذیحق میدانند؛ و اگر محکوم شدند، یا تقصیر را

بگردن قاضی میاندازند یا بگردن وکیل. ما باید کاری کنیم تا آنجا که امکان داشته باشد، مردم به حقوق و تکالیف خودشان آشنا شوند تا بکار دادگستری ایمان بیشتری پیدا کنند. اگر مردم بقاضی و کار دادگستری ایمان نداشته باشند، بقول معروف قافله تا بحشر لنگ است. همانطور که در مقدمه عرایض عرض کردم، یکی از وظایف مهم دادگستری صیانت از حیثیت و شرف افراد است. اگر افراد از تعرض مفتریان - که بدون مستند و دلیل حیثیت و عرض و شرف اشخاص بی‌گناه را لکه‌دار می‌سازند - مصون نباشند، بقول معروف سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. در چنین اجتماعی استعدادها، قریحه‌ها، سرمایه‌های مادی و معنوی ضایع و تباه می‌گردد. در چنین محیطی افراد بصورت عناصری منفی‌باف و بی‌تفاوت درمی‌آیند، شجاعت و قاطعیت و اعتماد بنفس جای خود را بدروغ و ریا می‌سپارد.

شایعات اساس قضاوت افراد قرار می‌گیرد و با این ترتیب هر کس علاقمند بحفظ حیثیت خود باشد از قبول مسؤلیت سر باز می‌زند، و این دادگستری است که بایستی به مفرضین بفهماند که نمی‌توانند با يك نامه بی‌امضاء دادگستری را آلت دست خود قرار دهند و با حیثیت افراد صحیح‌العمل و قاطع و کاربر و شجاع بازی کنند. مفتریان و ناشرین اکاذیب باید شدیداً تعقیب و تنبیه شوند تا دادگستری را محیط مساعدی برای اجرای اعمال پلید خود ندانند. یکی از مسائلی - که در اجرای همین نظر ضرورت دارد مورد توجه خاص قرار بگیرد - مسأله زندانی شدن افرادی است که به‌عنوان متهم بدادگستری می‌آیند. این افراد به‌رحال متهم هستند و هنوز جرمشان ثابت نشده، چه بسا بی‌تقصیر باشند یا اگر هم مقصر تشخیص شوند جرمشان و مجازاتشان اینقدر مهم و زیاد نباشد که ضرورت داشته باشد بزندان روانه شوند. باید فکری کرد - که تا آنجا که امکان دارد - تکلیف این نوع متهمین فوری تعیین شود. برای جرمی - که مجازاتش جزای نقدی یا حبس قابل خریداری است - نباید متهم به‌موجب قرار تأمین بازپرسی مدتی در زندان بماند. در اینگونه موارد اگر امکان نداشته باشد تکلیف متهم در اسرع وقت تعیین شود حتی‌المقدور باید باخذ تأمین التزام اکتفا کرد.

میدانم الان بعضی از قضات نزد خود می‌گویند این کار چند اشکال دارد: یکی اینکه هویتی - که متهم برای خود تعیین میکند - همیشه صحیح نیست؛ ثانیاً محل اقامت درست اعلام نمی‌شود؛ ثالثاً محل اقامت بسادگی قابل تغییر است و بالنتیجه احضار متهم و اجرای حکم دچار اشکال خواهد شد. از همه اینها مهمتر، چون زیان دیده از جرم غالباً مجازات را همان قرار تأمین بازپرسی و اقدامات اولیه قضائی میدانند، از آزادی متهم ناراضی میشود و سر و صدا راه میاندازد و در مقام شکایت برمی‌آید. اینها همه بجای خود از مسائلی است که درخور اهمیت و قابل بررسی است و راه‌حلهایی هم دارد. همین موضوع صدور کارت شناسائی برای افراد - که حاوی تمام خصوصیات بالاخص محل اقامت و حتی اثر انگشت و گروه خون باشد و مثل گواهینامه رانندگی، افراد مکلف باشند آنرا همیشه همراه

داشته باشند - شاید خیلی از کارها را حل کند. من معتقد باین موضوع هستم و معتقدم این کارها در عین حال - که در بادی امر کوچک بنظر میرسد - دارای اثرات قابل توجهی است. بخاطر دارم روزی راجع باین موضوعات با یکی از قضات دادگستری مذاکره و بحث میکردیم؛ نظر ایشان این بود که با نظرات جدیدی که راجع بآزادی افراد از هر حیث وجود دارد مردم را نمیشود مکلف کرد هویت و محل اقامت خود را بگویند. افراد حق دارند جوابی در این خصوص به پلیس و قاضی ندهند. متأسفانه من با این تئوریها - که جنبه عملی مفید آن فوق-العاده ضعیف است و با خصوصیات ما بهیچوجه تطبیق نمیکند - زیاد موافق نیستم و شاید جا نداشته باشد در این مجلس بیش از این در این مقوله صحبتی بکنم؛ همینقدر عرض میکنم این کار کمال ضرورت را دارد و فواید زیادی بر آن مترتب خواهد بود.

البته ما در عین حال که وظیفه داریم از حیثیت افرادی که بی‌جهت در مظان اتهام قرار میگیرند، دفاع کنیم، در عین حال باید با عمل قاطع و بموقع خود این روحیه را در بزهکاران بخصوص افراد ناسالمی که در سازمانهای دولتی یا وابسته بدولت وجود دارند و خوشبختانه تعدادشان زیاد نیست، بوجود بیاوریم که عمل ناصوابشان بی‌کیفر نخواهد ماند. مسلماً هیچ جامعه‌ای با هر طرز فکری که داشته باشد موافق بزهکاری و قانون‌شکنی و بی‌نظمی نیست اختلافی که ممکن است وجود داشته باشد در نحوه پیشگیری از ارتکاب جرم است، در نحوه بکیفر رسانیدن مجرم است، در نحوه مراقبت بعد از اجرای کیفر است. اینها مسائلی هستند که همیشه مورد نظر علمای حقوق بوده است و نظرات مختلفی در این خصوص ابراز شده ولی هیچ نظریه‌ای نگفته است مجرم را باید بحال خود رها کرد تا هر کار دلش میخواهد بکند.

من مطالب زیادی دارم که با همکارانم باید در میان بگذارم. طرح این مسائل در این جلسه مسلماً خارج از حوصله مجلس خواهد بود، بخصوص اینکه با محدود بودن مدت توقف جناب آقای نخست وزیر در وزارت دادگستری، بهتر است من بیان این مطالب را به‌جلساتی - که با آقایان خواهیم داشت - موکول کنم. امیدوارم آقایان اعضای کمیته‌ها با یک دید وسیع و آینده‌نگری و واقع‌بینی بدون رعایت محافظه‌کاری نامعقول و نامناسب با زمان و توجه به مقتضیات و خواست جامعه امروز ما، مسائل مربوط به هر یک از کمیته‌های خود را عمیقاً مورد بحث و تبادل نظر قرار دهند؛ و با ارائه طرق علمی و عملی و مفید و مؤثر ما را در اجرای برنامه‌های اصلاحی خودیاری و کمک و ارشاد فرمایند. قبلاً از این همکارانم صمیمانه سپاسگزاری میکنم و برای همه کسانی که بنحوی از انحاء در راه ایجاد یک دادگستری نوین و متمدنی - که بحال جامعه امروز ما مفیدتر و مؤثرتر باشد - با فکر خود، یا قلم خود و با عمل خود قدمهایی در این راه بر میدارند آرزوی موفقیت بیشتری را می‌نمایم. در خاتمه عرایضم بار دیگر از توجهات و اظهار محبت‌های

فوق‌العاده جناب آقای نخست‌وزیر نسبت به دادگستری تشکر میکنم و امیدوارم ایشان و همکارانشان و کلیه خدمتگزاران صدیق مملکت در خدمتگزاری صادقانه به شاهنشاه آریامهر و مردم و کشور عزیز ما موفق و مؤید باشند.

* * *

پس از پایان سخنان آقای وزیر دادگستری، آقای هویدا نخست‌وزیر رشته سخن را به دست گرفتند و گفتند: ایجاد تحول اساسی در سیستم قضایی کشور، می‌تواند تأثیر فراوانی در پیشرفت اقتصادی مملکت داشته باشد...

آقای نخست‌وزیر از «استقلال قضایی» پشتیبانی کردند و شمه‌ای در این باره بیان کردند و گفتند: ... وجدان قوی قاضی همیشه ضامن استقلال و بیطرفی قضاوت اوست. آنگاه نسبت به وکلای دادگستری و ضابطین دادگستری اظهار داشتند: وکلای دادگستری و ضابطین دادگستری بازوان نیرومند دادگستری هستند.

آقای نخست‌وزیر در ستایش وجدان پاك و ایمان قضات چنین گفتند: در مسافرت‌های داخلی کشور، اغلب قضات را دیده‌ام که در دورترین نقاط کشور با ایمان و وجدان، وظایف سنگین خود را در شرایط دشوار انجام می‌دهند، و بهیچوجه مشقات زندگی تأثیری در قضاوت آنها ندارد.

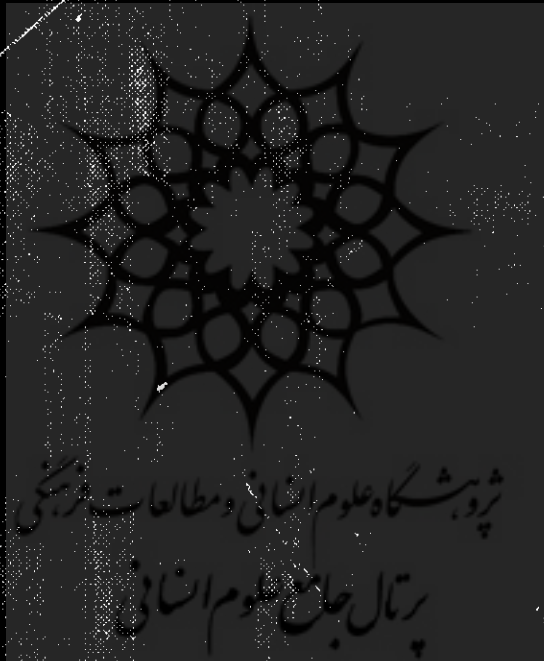
آقای هویدا در تجلیل از وکلای دادگستری و بیان اهمیت وظایف آنان گفتند: این وکلا هستند که می‌توانند با روشهای صحیح و وجدان پاك، قدمهایی برای تسریع در اجرای عدالت بردارند.

در زمینه روابط مردم و دادگستری، آقای نخست‌وزیر افزودند که: این بدیهی است که تمام مراجعین به دادگستری نمی‌توانند ازین دستگاه راضی و ممنون برگردند چون به هر حال يك طرف دعوی موفق و طرف دیگر محکوم می‌شود؛ ولی مسأله مهم تعیین تکلیف سریع مراجعین است. پرونده‌ها نباید برای مدت زیادی در دادگستری بماند و مردم باید زود تکلیف خود را بدانند.

آقای نخست‌وزیر استفاده از روش‌های جدید و ماشینی را در دادگستری برای نتیجه بهتر و سریعتر تأکید کردند و به اقداماتی که امسال در راه رفاه قضات بعمل آمده اشاره نمودند و گفتند: در طول برنامه پنجم باید قدمهایی بر- داریم که درهای دادگستری به روی جوانان مملکت همچنان باز باشد تا عده بیشتری از تحصیلکرده‌های مملکت بتوانند افتخار خدمت در این دستگاه را مانند گذشته پیدا کنند.

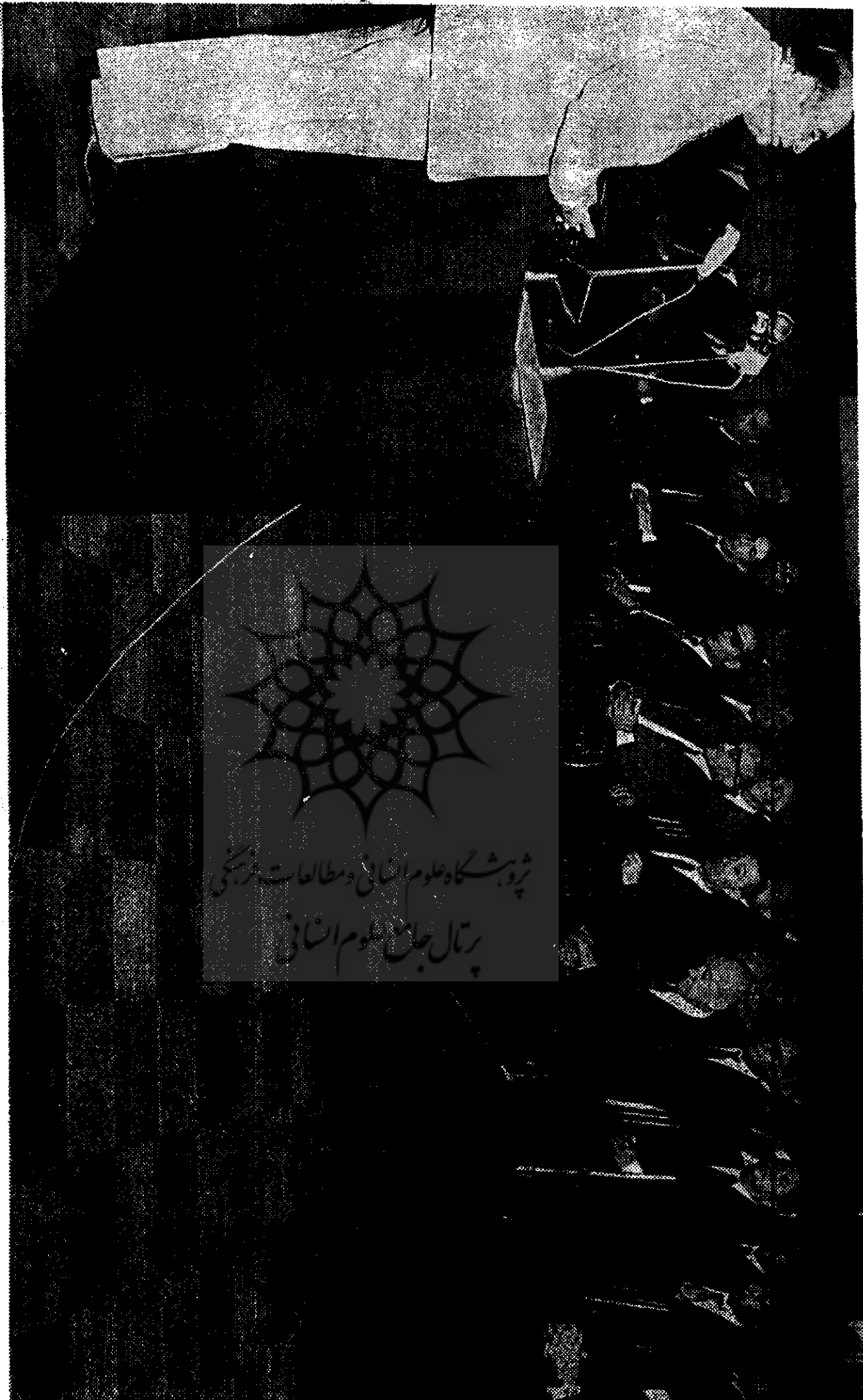
آقای نخست‌وزیر خطاب به قضاتی - که از استان‌ها آمده بودند - گفتند: دادگستری فقط در تهران مطرح نیست؛ منظور ما دادگستری در سطح کشور است. اقداماتی که شما انجام می‌دهید از لحاظ پیشرفت مملکت ما خیلی مورد علاقه و نیاز است.

آقای هویدا در پایان سخنان خود تأکید کردند که: دادگستری باید حافظ شرف و استقلال و آزادی افراد باشد، و قوانین باید همیشه با تغییر زمان و مسائل



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال چهارم علوم انسانی

نخستوزیر با اعضای کنفرانس عالی قضایی سخن میگویند.



زمان هم‌آهنگ گردد... يك روز چك نبود، مسائلی هم راجع به چك نبود. يكروز بانكداري نبود، مسائلی هم مربوط به آن وجود نداشت، اما امروزه بانكداري هست و استفاده از چك هم وجود دارد، لذا مسائلی هم در برابر ما وجود دارد. يا بايد بي حركتی درباره این مسائل داشته باشیم و يا ما هم با قوانین جدید، این مسائل را حل كنیم. در فرانسه لوایح مربوط به چك باز هم تغییر کرده، بنابراین اصولی هست - كه قابل تغییر است - و باید آنرا تغییر داد.

امروز جامعه ما از يك جامعه کشاورزی به سوی يك جامعه صنعتی پیش می‌رود و این تحول مسلماً مسائل جدیدی را پیش می‌آورد كه قضات باید از هم-اکنون به فكر آن باشند و لوایح لازم را برای حل مسائل فردا آماده كنند. انتظار ما از این كنفرانس زیاد است... من همیشه اعتقاد داشته‌ام و دارم كه اگر خدمتی به دادگستری بشود خدمتی به مملكت است و امیدوارم كه شما در كارتان موفق باشید تا رضامندی خاطر شاهنشاه و مردم كشور را بدست آورید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی